

معادن کشور به منبع بزرگ در آمد برای جنگسالاران و حکمرانان محلی تبدیل گردیده.

سالانه ده ها تن از کارگران هنگام کار در معادن زغال سنگ کشور در اثر انفجار گازها، حوادث ناشی از کار، کمبود تجهیزات تخنیکی، عدم مراعات شرایط ایمنی کار و امراض ناشی از کار، زنده گی خود را از دست میدهند.

بنا بر غارت، تخریب، استهلاک و کمبود تجهیزات تخنیکی و نبود وسایل تحفظی جسم مطابق نورمهای پذیرفته شده ایمنی کار، استخراج زغال سنگ از معادن افغانستان مجاز نیست.

معادن زغال سنگ کشور در اختیار جنگسالاران! و باندهای مافیایی

با در نظر داشت نقشی که صنایع تولیدی و معادن در ایجاد و انکشاف زیرساخت مادی نظام تولیدی و اجتماعی کشور دارد لازم است که این مسأله به صورت جدی و در ابعاد گسترده از دیدگاه های متفاوت مورد دقت و پژوهش کارشناسانه قرار گیرد اما منظور از این نوشتار تحلیل و ارزیابی بخش صنایع تولیدی و معادن کشور به عنوان زیر بنای اقتصاد کشور نبوده بلکه هدف انعکاس وضعیت نا مطلوب، هوشدار دهنده و خطرناک معادن زغال سنگ کشور است که مورد تاراج و غارت (بهره برداری) قوماندانهای مسلح جهادی و باندهای مافیایی قرار دارد و در نتیجه

استخراج غیر تخنیکی و فنی زغال سنگ از این معادن، نه تنها جان صدها کارگر که محکوم به کار شاقه در این معادن اند در معرض خطر جدی قرار گرفته بلکه صدماتی بر معادن زغال سنگ وارد شده و باعث از بین رفتن تأسیسات تخنیکی باقیمانده آن نیز میگردد.

با آنکه در جریان رویدادهای سالهای اخیر تأسیسات صنایع تولیدی، معادن و انرژی کشور قسملاً تخریب و متحمل خسارات سنگین گردیده و تا کنون در مورد احیا، بازسازی و تجهیز فنی و تخنیکی آن اقدامی مؤثر صورت نگرفته ولی بهره برداری از اغلب تأسیسات تولیدی و معادن از جمله معادن زغال سنگ بدون استیذان رسمی خارج از کنترل، نظارت و آگاهی؟ دولت به شدت جریان دارد.

گرچه ارقام مربوط به مقدار تولید منرالها و سایر مواد معدنی و چگونگی تولید آنها به شکل رسمی و دقیق وجود ندارد و اداره دولتی قادر به آن نیست تا تصویر روشنی از وضعیت موجود تأسیسات تولیدی و معادن کشور به مردم ارایه بدارد ولی گزارشهای که در این مورد از منابع کارگری داخل کشور مواصلت می نماید تکان دهنده است.

به اساس گزارشهای رسمی حکومت افغانستان در وضع موجود، تولید منرالهای جامد که شامل زغال سنگ، مواد سنگی، سنگهای دارای ابعاد، منرالهای صنعتی و، سنگهای نیمه قیمتی و مقدار فلزات میباشد در حدود یک فیصد تولید ناخالص داخلی را احتوا می نماید (تولیدات غیررسمی آن به مراتب بیشتر است). سهم نازل بخش معادن در تولید ناخالص داخلی کشور بیانگر کنار گذاشته شدن این بخش، از برنامه های اقتصادی و بازسازی کشور و عدم توجه دولت به این سکتور میباشد.

معادن زغال سنگ که در صفحات شمال در نواحی اشپشته ولایت بغلان، روی دوآب، کرکر، دودکش، آهن دره، خوب دره، نهرین، دره صوف ولایت سمنگان و برخی ولسوالیهای ولایت تخار قرار دارد از جمله معادن بزرگ به شمار میرود که همین اکنون به استثنای معدن زغال سنگ کرکر ولایت بغلان که ظاهراً در اختیار دولت

است سایر معادن در تسلط و انحصار قوماندانهای مسلح و باند های مافیایی قرار دارد و تولیدات آن بالای مردم به فروش میرسد و عواید فروش آن بو سیله قوماندانهای مسلح و باند های مافیا به همدستی حکمرانان محلی غضب میگردد.

گزارشهای منتشر شده ([از جمله سایت انترنتی بی بی سی](#)) در مطبوعات جهانی میرساند که معادن زغال سنگ افغانستان که بخش عمده آن در صفحات شمال کشور قرار دارد، از خطر ناکترین معادن در جهان به شمار میروند، سالانه صد ها نفر در جریان کار تولیدی در این معادن به اثر حوادث ناشی از کار و انفجار گازها و لغزش تونلهای معادن جان میدهند.



به منظور ارایه تصویر روشنی از چگونگی وضع معادن زغال سنگ کشور، اینک به گونه مثال به صورت موجز به وضع موجود معادن زغال سنگ کرکر ولایت بغلان و دره صوف ولایت سمنگان میپردازم.

معدن کرکر بزرگترین معدن زغال سنگ کشور است که روزانه بیشتر از ۱۲۰ تن زغال سنگ از آن استخراج میگردد، این معدن در سال ۱۹۳۹ در نواحی ولایت بغلان کشف گردید، چهار کیلو متر داخل کوه گسترده شده، عمیق آن به ۷۵۰ متر میرسد و ۱۲ رگ زغال سنگ در آن موجود است. این معدن از نظر موقعیت، کیفیت و مقدار تولید، فراهم آورنده ارزش زیاد اقتصادی میباشد.

در این معدن در اثر دو انفجار جداگانه که در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ هجری شمسی به وقوع پیوست ۱۴۰ تن از کارگران زنده گی خود را از دست دادند. طی سالهای دهه

هشتاد سده گذشته با تجهیز معدن به وسایل و تجهیزات جدید تخریبی، سازمانیابی کار و مراعات مقرر شده ها و نورمهای ایمنی کار به رغم آنکه کمبودیها و دشواریهای متعددی در زمینه کارتولیدی و استخراج وجود داشت با آنهم به صورت نسبی از خطرات آن کاسته شده بود. باید یاد آوری نمود که اتحادیه صنفی کارگران معدن زغال سنگ کرکر و شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان جهت بهبود شرایط کار و تحقق مطالبات و پیشنهادهای کارگران پیوسته توجه مسؤلین دولت را جلب می نمودند و حکومت های وقت هم در محدوده توان مالی و اداری خود به حل مشکلات و تحقق مطالبات کارگران می پرداختند.

بعد از فرو پاشی دولت جمهوری افغانستان در سال ۱۹۹۲ و انتقال قدرت دولتی به احزاب اسلامی جهادی! از برکت دولت اسلامی افغانستان، وسایل، ماشین و آلات، تجهیزات تخریبی و دارایی های معدن مذکور بوسیله جنگسالاران و باند های مافیایی غضب، غارت و تاراج گردید.

با آنکه بنا بر غارت، تخریب، استهلاک و کمبود تجهیزات تخریبی و نبود وسایل تحفظی جسم مطابق نورمهای پذیرفته شده ایمنی کار، استخراج زغال سنگ از معادن افغانستان مجاز نیست، ولی استخراج زغال از معادن مذکور بدون وقفه ادامه

دارد. کارگران مجبور اند تا با به کارگیری ابزار و وسایل ابتدایی و تجهیزات استهلاک شده که سالها قبل از جمهوری چک وارد گردیده بود با قبول خطرات جانی ناشی از انفجار گازها و لغزش تونل های معدن (بنا بر کمبود و سپری شدن نورم تخریبی پایه های استهکامی) به استخراج زغال ادامه بدهند.

حوادث (ناگوار) در این معدن رو به افزایش است، سالانه ۱۰ الی ۱۲ حادثه به صورت رسمی درج و راجستر میگردد (حوادثی که در این معدن اتفاق می افتد زیاد تر از حوادث راجستر شده است). روزی نیست که کارگری از اثر حوادث ناشی از کار،

عدم مراعات شرایط ایمنی کار، نبود وسایل تحفظی جسم و یا امراض ناشی از کار مجروح نگردد و یا جان خود را از دست ندهد.

در این معدن کارگران هنگام خاموش کردن آتش تونل های معدن در اثر استنشاق گازهای مضره دچار مسمومیت میگردند ولی ادویه عاجل به اختیار آنها قرار ندارد.

وضع در معدن زغال سنگ دره صوف ولایت سمنگان بد تر از معدن زغال سنگ کرکر است. کارگران معدن زغال سنگ دره صوف میگویند " هر سال ده ها تن هنگام کار در معادن مختلفه این ناحیه جان خود را از دست میدهند"، این تلفات انسانی، معدن زغال سنگ افغانستان را یکی از پر خطر ترین معادن جهان معرفی میکند.

کارگران با استفاده از ابزار خیلی ابتدایی و غیر حرفه ای به استخراج زغال مجبور میگردند، بهره برداری از این معدن به صورت غیر عادلانه و بسیار ظالمانه جریان دارد. قوماندانهای جهادی! و گروه های مسلح باند های مافیا، از فروش تولیدات معادن بیشترین عاید را نصیب میگردند. کارگران با مزدیکه از فروش نیروی کار خود به دست میآورند به مشکل میتوانند نیروی کار از دست رفته خویش را جبران بدارند.

معامله به وسیله جنگسالاران و حاکمان محلی طوری صورت میگیرد که، کارگرانی که پنج لاری (کامیون) زغال سنگ از معدن استخراج می کنند یک لاری به آنها تعلق میگیرد و چهار لاری دیگر حق قوماندانهای جهادی! و حاکمان محلی محسوب میشود.

مستهلکین اصلی تولیدات زغال سنگ این معدن را مردم شمال و برخی دستگاه ها و فابریکه ها تشکیل میدهد.

یک تن از کارگران سابقه دار این معدن میگوید: " معادن زغال سنگ دره صوف در زمستان مورد دستبرد قرار میگیرد و در تابستان هم در اثر گرما آتش سوزی روی

میدهد، هر روزیکه میگردد مردم فقیر تر و قوماندان صاحبان ثروتمند تر و معادن به نابودی نزدیک تر میشود.

باید تذکر داد که: حفاظت و بهره برداری مؤثر اقتصادی از منابع اقتصادی به ویژه ملکیت‌های عامه از اساسی ترین مسأله اقتصادی در تمام جوامع و سیستم های اقتصادی به شمار میرود.

به رغم آنکه مطابق ماده (۹) قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، حفاظت و استفاده درست از معادن و سایر منابع زیر زمینی وظیفه اساسی دولت به شمار میرود و باید حفاظت و اداره املاک و دارایی های دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر دارایی های عامه توسط قانون و مقرره ها تنظیم گردد، ولی دریغ که در حال حاضر دولت بر اکثر منابع اقتصادی کشور دسترسی ندارد و از این ناحیه مردم نگران اند، همین اکنون علاوه بر زغال سنگ سایر منرالهای قیمتی و نیمه قیمتی و سنگهای زینتی (لاجورد) خارج از کنترل و آگاهی دولت مرکزی تولید میشوند و عواید آن به دولت انتقال نمی یابد.

باید گفت که مسأله مالکیت بر وسایل تولید و منابع طبیعی و اقتصادی، بنیادی ترین مسأله در امر انکشاف و تأمین عدالت اجتماعی به شمار میرود، زیرا این مسأله کلید بهره کشی از انسان و تمام نابرابری های اجتماعی - اقتصادی را به دست میدهد. باور من این است، تا زمانیکه تمام ثروت های اجتماعی و منابع اساسی اقتصادی از جمله منابع طبیعی و زیر زمینی در اختیار تمام جامعه قرار نگیرد، نمیتوان از انکشاف همه جانبه و عدالت اجتماعی سخن گفت. آنچه روشن است اینکه اداره دولتی موجود و نظام حاکم بر کشور، دیگر کارآیی اقتصادی را در راستا انکشاف، رفاه و بهبود شرایط زنده گی کارگران و زحمتکشان ندارد، نمیتوان از این اداره ناسالم انتظار توسعه و رشد اقتصادی و بازسازی را به نفع انکشاف و ترقی کشور داشت.

طرح موجزء مسأله:

با توجه به نیروی کار مستعد، استعداد های طبیعی، منابع زیر زمینی شنا سایی شده و نا شناسایی شده و موقعیت جغرافیایی افغانستان، چنانچه صلح و امنیت پایدار در کشور استقرار یابد و حاکمیت واقعی مردم بر قرار گردد، افغانستان میتواند به اسرع وقت به کشور آباد، انکشاف یافته، مترقی و سربلند تبدیل و رفاه و آسوده گی مردم زحمتکش آن تأمین و تضمین گردد.

افغانستان در بخش معادن کشوری ثروتمند و دارای منابع قابل توجه منرالهای جامد، سنگهای قیمتی (زمرد، یاقوت کبود، یاقوت سرخ، توپاز،...)، احجار تزئینی (لاجورد...)، طلا، گاز طبیعی، زغال سنگ، ذخایر معدنی و منابع زیر زمینی از جمله نفت میباشد. بر اساس گزارش رسمی منتشر شده از جانب وزارت معادن و صنایع جمهوری اسلامی افغانستان (طبق معلومات سروی جیولوژی کشور امریکا)، تاکنون اکتشاف بیش از ۳۰۰ نوع معدن با ظواهر معدنی آن ارزیابی و تثبیت ذخیره گردیده. ولی بنا بر تجاوز و مداخله های استعمارگران، تسلط نظامهای ارتجاعی و استبدادی خود کامه و ساختار های عقب مانده اقتصادی - اجتماعی تا کنون از این منابع سرشار طبیعی و ریزرف های موجود به نفع انکشاف و ترقی کشور و بهبود زنده گی کارگران و زحمتکشان استفاده مؤثر به عمل نیامده است.

به باور من در صورت استقرار یک نظام دموکراتیک و ترقیخواه، به منظور:

- حصول به انکشاف اقتصادی و بشری،

- تسلط، تثبیت مالکیت و نظارت دولت بر معادن و سایر منابع زیر زمینی،

- تثبیت منابع منرالی، حفاظت، اداره و استفاده از آن و جلب سرمایه گذاری در امور

فعالتهای منرالی و تنظیم سایر فعالتهای مربوط به آن،

- بهبود امور سروی جیولوژیکی، تفحص، استخراج و بهره برداری مؤثر اقتصادی از

منابع طبیعی،

- کاهش و جلوگیری از حوادث ناگوار ناشی از کار و ضایعات به ویژه ضایعات بشری، مراعات مقررہ های ایمنی کار و زیست محیطی.

تحقق اقدامات و تدابیر ذیل به حیث بخشی از ضرورت‌های مقطعی مرحله جاری کشور میتواند در جهت انکشاف و تحول سکتور معادن و صنایع، ارتقاء سطح استخدام، رشد عاید ملی و فراهم نمودن زمینه برای شرایط بهتر کار و بهبود زنده گی کارگران و سایر زحمتکشان مؤثر واقع گردد:

- طرح و تدوین پالیسی و استراتیژی جامع، ترقی خواهانه و همه جانبه در عرصه سکتور معادن و صنایع که متضمن انکشاف و بهبود سطح زنده گی مردم باشد و در جهت بازسازی، احیا، ایجاد و تحکیم زیرساخت مادی نظام تولیدی و اجتماعی کشور و تحقق مطالبات عادلانه مردم کار ساز بوده دارای دور نمایی روشن انکشافی باشد.

- تدوین، وضع و تطبیق قوانین و مقررات دموکراتیک، مردمی و مترقی ویژه به منظور تأمین تسلط، نظارت و دسترسی دولت به معادن، منابع زیر زمینی، تأسیسات و دارایی های عامه و استخراج معادن،

- غیر نظامی ساختن کامل ساحاتی که در آنها تأسیسات تولیدی قرار دارد و یا به منظور احداث تأسیسات جدید، سرمایه گذاری در آنها صورت میگیرد و تسریع فعالیت های مین روبی در ساحات متذکره،

- سکتور معادن و صنایع به عنوان زیر بنای اقتصادی نیازمند حمایت جدی و مسؤله دولت است، این بخش باید مورد توجه قرارگیرد و از حاشیه به متن متحول گردد، تحول و انکشاف ساختاری سکتور معادن و صنایع نسبت نبود توانایی مادی و بشری و کمبود منابع سرمایه داخلی مستلزم جلب و به کارگیری منابع خارجی و سرمایه گذاری بیرونی است، باید در زمینه سرمایه گذاری در این بخش توجه جدی نمود.

ولی باید جهت تحکیم، انکشاف و گسترش اقتصاد ملی، تکیه از منابع خارجی به منابع داخلی به صورت تدریجی به عمل آید و رجحان به منابع داخلی به حیث یک پروسه تدریجی و مرحله یی در استراتیژی دور نمایی اقتصادی در نظر گرفته شود.

- بازسازی، احیا و ایجاد تأسیسات پایه یی و ترانسپورتی به منظور انجام خدمات به مناطق استخراج معادن و فراهم آوری تسهیلات جهت انتقال فرآورده های تولیدی،

- ارتقا کارآیی و انکشاف مستعمر سکتور معادن و صنایع از طریق شرکت آگاهانه کارگران، انجیران و کادر های عرصه اقتصاد در رهبری و سازمان دهی تولید و کار. باید در نظر داشت که وظیفه تمام نهاد های مدافع منافع زحمتکشان است تا با استفاده از تمام امکانات خویش در امر تشکل کارگران و کارمندان سکتور عامه و ارتقا آگاهی اجتماعی شان تلاش ورزند، زیرا " شرکت آگاهانه و فعال کارگران، انجیران و کادر های عرصه اقتصاد در رهبری و اداره واحد های تولیدی و خدماتی مربوط به سکتور عامه تکیه گاهی برای رشد بعدی به سوی مناسبات عالی تر تولیدی خواهد بود،(طرح مرانامه "حزب مردم افغانستان" منتشره شماره ۲۰ مورخ اپریل ۲۰۰۴(آینده) نشریه نهضت آینده افغانستان) ".

- منع و جلوگیری از کار اجباری، منظور کار و خدماتی است که خلاف رضا و رغبت شخص به صورت اجباری و جزایی بالای وی تحمیل میگردد،

- منع استخدام نو جوانان پاینتر از هجده سال که از نظر اقتصادی به آسانی قابل استثمار بوده، انجام کار ثقیل موجب خطر صحت و مانع تعلیم آنها گردیده به رشد جسمی و انکشاف عقلی و اجتماعی آنها اثر سوء میگذارد،

- با در نظر داشت منافع ملی، امنیت ملی، حفظ الصحه، مصونیت اجتماع و حفاظت محیط زیست، تمام احجار رادیو اکتیف دار (و سایر مواد) به حیث مواد غیر مجاز محسوب گردد و از استخراج (غیرفنی و غیر علمی) آن جلوگیری به عمل آید،

- تأمین شرایط مصون کار و تولید، تثبیت و رعایت نورمهای عمده حفاظت کار و تخنیک ایمنی، وقایه صحت کارگران در مقابل امراض حرفه یی و کاهش حوادث ناشی از کار و تولید، از جمله مسایل اساسی و با اهمیتی است که نباید در برابر آن سکوت نمود و یا آنرا از فهرست مطالبات کارگران و کارمندان عرصه معادن و صنایع بیرون کشید. باید با تمام امکانات دست داشته تلاش به عمل آید تا، نورمها و مقرره های عمده حفاظت کار و تخنیک ایمنی در تمام پروژه های معادن و صنایع کشور نافذ، گسترش، مراعات و تطبیق گردد.

www.ayenda.org